

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن
۱۷ جنوری ۲۰۲۳

نسل جوان را جدی بگیریم!

یکی از دغدغه های مهم و اصلی نسل جوان در ایران بی آیندگی است. امروزه نه تنها در طیف گسترده دانشجویی که در میان نوجوانان و جوانان حاضر در جنبش خیابانی بوضوح مشاهده میشود که جدی نگرفتن آنها و بی برنامهگی نظام برای آینده این نسل در سایه غارت و چپاول نجومی منابع ملی و انسانی کشور، چالشی بزرگ است. حضور گسترده نوجوانان در جنبش زن زندگی آزادی نشاندهنده اضطراب آنها از آینده خود و همچنین واکنش به بی اعتنائی مسئولان نظام است که میانگین سنی آنها شاید هفتاد باشد و اساسا درکی از ذهنیت ها، خواستها، نیازها و آرزوهای بحق و طبیعی آنها ندارند. موج مهاجرت به خارج از کشور که در دهه های گذشته شاهد آن بوده ایم گویای این نکته است که این نسل به لطف حضور ارتباطات و تکنیک های جدید ارتباطی بسیار هوشمند است و دنیایی خود ویژه دارد. بیهوده نیست که شعار زن زندگی آزادی به این سرعت در میان این نسل فراگیر شد.

آنها کار، آینده، تامین اجتماعی، حق مسکن، شادی و تفریح و تشکیل خانواده، انتخاب پوشش، آزادی بیان و هنر همه و همه را از مفاهیمی میدانند که در واژه زندگی عادی معنی میشوند. برای این نسل که ظرف چند دقیقه با اتکا به تکنیک های ارتباطی خود را می یابند و خرد جمعی خود را به اشتراک میگذارند و به کنش های جمعی تبدیل میکنند، پذیرفتن رهبری با تعاریف کلاسیک خود بسیار نامفهوم و دشوار است. فاصله عمیق این نسل با حکومتیان که سرعت به مبارزه رودررو با نیروهای سرکوب منجر شد و شاهد بروز شهامت ها، رشادت ها و جسارت های آنها نسبت به این نیروها شد در حقیقت امر برآیند جریان زندگی موازی آنها بدون ارتباط با آموزش فرهنگی رژیم در مراکز رسمی آموزشی جمهوری اسلامی بود. این نسل نهادهای آموزشی حکومتیان را از آن خود نمیداند و در برابر آن تمام قد صف ارایه کرده است. تبلیغات رژیم در زمینه جمع کردن اعتراضات یاهو ها و دروغ های بی پایان مسئولین آن است. این نسل دنیایی خود ویژه دارد و نه تنها سرکوب نمیشود که همچنان بازتولید شده و آگاهتر و هوشمندتر بشکل ادواری به خیابانها خواهد آمد. در دنیای این نوجوانان و جوانان که با تکنولوژی مدرن پیوند خورده اند جایی برای دیکتاتور ها نیست چه از جنس حکومتیان و یا از نیمه پنهانش در قامت گرایشی از اپوزیسیون.

سرکوب و قلع و قمع سوسیالیستها و همه مدافعان برقراری عدالت اجتماعی فصل مشترک دو نظام پهلوی و حاکمان اسلامی بوده است. تک حزبی کردن آسمان سیاسی ایران و جنون چپ ستیزی محمدرضا پهلوی هنوز لابلای گزارشات و مصاحبه های این سرنگون شده موجود است. صدها شاهد عینی ستیز او با سوسیالیستها کماکان و

خوشبختانه زنده اند و هرازگاهی از جنایات خاندان او مینویسند و میگویند. با آغاز جنبش اخیر امر به رضا پهلوی و شبکه تلویزیونی اش منو تو مشتبّه شده است که گویا میتوانند موج سواری کنند و دوران سیاه پهلوی را بازسازی کنند. هر چند رقیب تازه ای از خاندان قاجار یافته اند که او نیز در انتظار و توهم سلطنت بسر میبرد اما هیچیک از اینها از جنبش جاری درکی واقعی ندارند. این جنبش در دست توانای زنان و جوانانی است که نه به گذشته که به آینده نظر دارند. در مسیر تکاملی خود هیچگاه از راهکارها و تاریخچه گذشتگان استفاده نکرده اند. همه تاکتیکهای سیاسی، فرهنگی و هنری خود را خود ساخته و به ابتکار خود عرضه کرده اند. از میان صدها سرود و نماد بجا مانده از انقلاب ۵۷ حتی یکی را در دستور کار خود قرار نداده اند. قصد بازگشت به گذشته در هر شکلی از آنرا ندارند.

دنیای این نسل تعاریف خاص خود را داشته و آنها اذهان پیچیده خود را دارند. حتی بازجوهای جنایتکارشان در بازداشتگاهها اعلام کرده اند که ما این جوانان و نوجوانان را نمی فهمیم. قطعاً رضا پهلوی حتی با ثروت افسانه ای غارت کرده خود و خانواده اش از کشورمان نمیتواند بر امواج نیازها و مطالبات این نسل آگاه، باهوش و مبتکر سوار شده و تاب بیاورد. این درست است که در شرایط موجود که مردم ما با یکی از خونخوارترین و وحشی ترین حکومت ها در تاریخش روبروست و در این مسیر به گذشته نگاه میکند و بد و بدتر میکند اما فراموش نکنیم که تنها نسلهای قدیمی تر شاید در نگاه خود چنین تصویری را داشته باشند و نسلی که امروز در خیابانهاست گذشته را نه دیده است و نه تجربه کرده است. اتفاقاً با هرگونه بازنگری به این تاریخچه از روی بی اعتمادی، مرزبندی اشکار دارد. بازتولید سلطنت در شرایطی که در مطالبات و نیازهای نسل حاضر در خیابان گنجانده نشده و تمایلی نشان داده نشده است را با هیچ سریشی نمیتوان چسباند و آنهم از خارج کشور.

رضا پهلوی نیز خود واقف است که فاقد شرایط لازم برای عرضه خود بعنوان رهبر این جنبش اجتماعی است. توسل به یک ردیف از سلبریتی ها و نهادسازی های نمایشی اینجا و آنجا در اروپا و آمریکا و کانادا نشاندهنده آگاهی او به این نکته است. علیرغم تبلیغات دروغین شبکه تلویزیونی اش منو و تو مطالبه سلطنت در داخل کشور در میان انقلابیون جایگاهی وزین ندارد. دورخیز خانواده پهلوی برای جلوس دوباره به تخت سلطنت در ایران (چنانچه از دست شاهزاده های دیگر بگریزد) بی تردید با حضور این نسل جوان در صحنه خیابانها امکان ناپذیر است در حالیکه رضا پهلوی هنوز هم از مرزبندی قاطع با دیکتاتوری پدرش پرهیز می کند. جنبش زن زندگی آزادی با شعارهای خود نشان داده است که رادیکال است و تمایل دارد تا سرنگونی ادامه دهد حال آنکه رضا پهلوی با علم به ناتوانی خود نمیتواند تا پایان همراه بماند و مکرر به فروپاشی کنترل شده اشاره دارد. بی تردید هر نیروی سیاسی که در روند فروپاشی نظام حاکم تاب همراهی با جنبش را نداشته باشد از گردونه انقلاب به بیرون پرتاب خواهد شد.

۲۰۲۳/۰۱/۱۵